

آشنایی بیشتر
زنده گی یک هدیه است که به ما حق ویژه، فرصت و مسوولیت می دهد؛ باید به ازای آن، چیزی بازگردانیم و آن "خود اصلاح شده"ی ما است.

www.mandegardaily.com

سال هشتم شماره ۱۹۵۹ دوشنبه ۱۸ دلو/ بهمن ۱۳۹۵ ۹ جمادی الاول ۱۴۳۸ ۶ فبروری ۲۰۱۷

به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز میتوانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.

عزیزی بانک
Azizi Bank

www.azizibank.af 1515

افغانستان کې مخ پر زیاتېدونکې سرطان ناروغي هر کال ۱۵ زره کسان وژني

Prostate CANCER
Awareness and Prevention

صفحه ۶

جمعیت اسلامی:
از گفت و گوهای عطا محمد نور با ارگ حمایت می کنیم

صفحه ۶

حزب اسلامی حکمتیار:
در انتخابات آینده حضور گسترده خواهیم داشت

صفحه ۶

شهروندان ولایت غور:

دولت در قبال غور سیاست عقبمانی را دنبال می کند

صفحه ۳



نگاهی به روند پروژه حفظ و مراقبت (MCG)

برنامه ملی ایجاد کار برای صلح، سال قبل بوسیله جلالتمآب محمد اشرف غنی رییس جمهوری اسلامی افغانستان، اعلام گردید. از طریق این برنامه سعی و تلاش صورت گرفت که در سراسر کشور، به منظور کاهش سطح بیکاری و رشد اقتصادی مردم، از تمامی امکانات موجود استفاده گردد.

برای تحقق این آرمان، هر وزارتخانه جمهوری اسلامی افغانستان کمرهمت بسته و به نوبه خود از طریق ارگان و اداره خویش، تصمیم گرفتند آن چنان پروژه هایی را در عمل تطبیق نمایند تا اگر معضله بیکاری در سطح تمام ولایات کشور به گونه بنیادی نابود نگردد، لاقلاً کاهش بیاید.

در این میان وزارت احیا و انکشاف دهات نسبت به سایر ارگانهای دولتی در راستای تحقق برنامه ملی ایجاد کار برای صلح، حیثیت پیشاهنگ را داشته زیرا این وزارت در زیر چتر برنامه مذکور، با تطبیق پروژه بزرگ حفظ و مراقبت برنامه همبستگی ملی، به تحفظ و بازسازی سرک ها، کانالهای آب، شبکه های آبرسانی و همچنین در زمینه ایجاد کار و اشتغال برای مردم روستا های کشور، اقدام نموده است. باید یاد آور شد که پروژه حفظ و مراقبت و کاریابی در سه مرحله مختلف از طریق شوراهای انکشافی قریه برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات، عملی میگردد. رییس جمهور کشور، حین اعلام برنامه ملی ایجاد کار برای صلح گفت:

«تشدید جنگ و کاهش کمکهای خارجی روی اقتصاد افغانستان و زمینه کار تأثیر منفی گذاشته است و عمدتاً این تأثیر بر آن عده هموطنان ما بیشتر است که کار و اشتغال ندارند و روزانه در چاراهی ها منتظر می مانند که کسی پیدا شود و آنها را برای کار ببرند تا لقمه نانی را برای خانواده هایشان پیدا کنند.»

در پروژه حفظ و مراقبت تلاش صورت میگیرد تا نهاد ها و پروژه هایی که قبلاً در راستای انکشاف روستا های کشور عملی گردیده و با گذشت بیشتر از یک دهه، به ترمیم و مراقبت نیاز دارند، دوباره ترمیم شده و فعال نگهداشته شوند. همچنان در زمینه رشد زراعت، راه سازی و سایر نیازمندی های بنیادی روستاییان نیز از طریق این پروژه تلاش هایی صورت خواهد گرفت. ناگفته نباید گذاشت که پروژه حفظ و مراقبت در سه مرحله با در نظر داشت وضعیت آب و هوا، سطح

بیکاری و اوضاع امنیتی در ولایات کشور، مورد تطبیق قرار میگیرد. این پروژه در جریان تطبیق عملی خود به طور فوق العاده یی مورد توجه روستاییان بی بضاعت و آنانیکه از بیکاری رنج میبرند، قرار گرفته و آنان خواهشمند دوام پروژه حفظ و مراقبت در قریه های شان هستند. وزارت احیا و انکشاف دهات با تلاش فراوان تا اکنون توانسته است که پروژه حفظ و مراقبت برنامه همبستگی ملی را در بیشتر ولایات کشور عملی نموده و نتایج درخشانی از آن بدست آورد. این وزارت با طرح و تنظیم پلان های مدیرانه خویش، روزتا روز، مراحل عملی پروژه حفظ و مراقبت را می پیماید و با این تلاش، برای تعداد کثیری از هموطنان روستایی ما زمینه های دسترسی به کار های کوتاه مدت و دراز مدت را ایجاد کرده است. بنا بر معلوماتی که جانب منابع موثق برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات ارائه گردیده است، تاکنون دهمرحله این پروژه در روستا های کشور تطبیق گردیده و اینک در جریان عملی نمودن مرحله سوم خود قرار دارد. پروژه حفظ و مراقبت برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات، از بدو تطبیق خود تا اکنون به طور مجموعی احیا و باز سازی تعداد (۱۲۶۱۵) پروژه انکشافی را مورد تطبیق قرار داده است که عمدتاً (۳۷۷۱۷۴) روز کاری برای کارگران ماهر و (۱۲۳۸۶۹۲۱) روز کاری برای کارگران غیر ماهر ایجاد شده است.

ناگفته نماند که از آغاز تطبیق پروژه حفظ و مراقبت (MCG) تا اکنون (۱۱۱۳۱) شورای انکشافی قریه تحت پوشش قرار گرفته است و مبلغ (۵۶۶۴۵۶۹۷۴۹) افغانی هزینه مجموعی آن میباشد. در جریان تطبیق پروژه حفظ و مراقبت، بیشتر از همه پروژه های انرژی برق، کانال های آبیاری زراعتی، معارف، صحت، حفظ الصحة، آب آشامیدنی، صحتی و ترانسپورت مورد توجه قرار گرفته است. همچنان، حدود (۲۸٪) پروژه ها در سراسر افغانستان زیر پوشش آمده و این فیصدی مربوط می شود به تناسب پروژه های تکمیل شده (تطبیق شده) بر مجموعه پروژه های تمویل شده توسط برنامه حفظ و مراقبت که شامل (۶۱۲۹) پروژه در حال جریان (۴۷۶۰) پروژه تکمیل شده و (۱۷۲۶) پروژه تأیید شده میباشد.



احمد عمران

حزب اسلامی

و چالش‌های پیش رو



و منازعه می‌تواند سازگار باشد. همه نیروها و افرادی که در جنگ‌های مختلف کشور در چهل سال گذشته دست داشته‌اند، باید مورد قضاوت قرار گیرند و با آن سال‌ها تصفیه حساب شود. نمی‌توان گذشته را بدون چنین قضاوت تاریخی به فراموشی سپرد. گذشته حال ما را می‌سازد و بدون بررسی گذشته و رسیدگی به آن، نمی‌توان از یک برهه از تاریخ کشور عبور کرد. گذشته چون مترسکی در برابر ماست و سایه سنگین خود را بر نسل‌های امروز و آینده افکنده است.

حالا که حزب اسلامی از جنگ دست برداشته، نیاز دارد که با گذشته برخورد واقع‌بینانه صورت دهد و دستخوش جوسازی‌های خودبزرگ‌بینانه نشود. حزب اسلامی اگر می‌خواهد در تحولات آینده کشور نقش و سهمی داشته باشد، نیاز دارد که فردای خود را از امروز بسازد. تهداب امروز را این حزب نباید چنان بنا کند که فردا باز به معضل دیگری برای جامعه و مردم تبدیل شود.

حزب اسلامی باید از سال‌های گذشته درس‌های لازم را گرفته باشد. افغانستان امروز با همه مشکلات و چالش‌های خود، دیگر آن کشور بیست و یا سی سال پیش نیست. در این سال‌ها در افغانستان اتفاق‌های زیادی افتاده و مردم حداقل بخش بزرگی از آن‌ها، رویکردی دگرگونه با مسایل و قضایای کشور خود دارند. جوان امروز، خواست‌هایی دارد که با خواست‌های جوان دو دهه پیش کاملاً متفاوت و مختلف است. وضعیت سیاسی افغانستان نیز بسیار دگرگون شده است. امروز بحث‌های اصلی جامعه ما دموکراسی، حقوق شهروندی، آزادی بیان و اندیشه است. این‌که چقدر حزب اسلامی به چنین مفاهیمی می‌تواند نزدیکی نشان دهد، سؤالی است که آقای حکمتیار با آمدن خود به کابل - که حالا تلاش صورت می‌گیرد از آن رویدادی کم‌نظیر بسازند - به آن پاسخ خواهد داد.

اعضای رهبری حزب اسلامی، گذشته این حزب را که در برابر دولت فعلی و نیروهای حمایت‌کننده آن جنگیده است، به شکل دیگری می‌بینند و آن را توجیه می‌کنند. به باور اعضای رهبری حزب اسلامی، جنگیدن در برابر دولت با اساسات این حزب منافات نداشته و حالا نیز که دست از جنگ برداشته، باز در راستای اساسات فکری خود عمل کرده است. این گونه توجیه کردن‌ها بدون شک نمی‌تواند اصل قضیه را که منجر به ویرانی و کشتار غیرنظامیان در افغانستان شده، پنهان بدارد.

حزب اسلامی می‌تواند به روند صلح بپیوندد و در کنار دیگر نیروها از امتیازهایی که وجود دارد، استفاده کند؛ ولی این هرگز به معنای فراموش کردن و یا به خاک سپردن گذشته آن نمی‌تواند باشد. افزون بر این، آقای حکمتیار در گذشته نیز علیه دولت‌های وقت جنگیده و هنوز جنگ‌های دهه هفتاد این حزب و برخی دیگر از نیروها و احزاب، بر اذهان عمومی سنگینی می‌کند. آقای حکمتیار در توجیه جنگ‌های آن سال‌ها نوشته‌های زیادی منتشر کرده، ولی نگاه او به عنوان یکی از عوامل جنگ‌های آن سال‌ها نمی‌تواند نگاه بی‌طرفانه و عادلانه به رویدادهای آن سال‌ها پنداشته شود.

فراموش نکنیم که هر جنگی طرف‌های درگیر خود را دارد و این طرف‌های درگیر، موقعیت‌ها و جایگاه‌های مشخص خود را در جنگ دارند. این گونه نیست که امروز بگوییم میان دولت و کسانی که علیه آن می‌جنگند، هیچ تفاوتی وجود ندارد و هر دو طرف به عنوان طرف‌های فراموش‌شده می‌شوند. گاهی این مغالطه از سوی برخی‌ها در کشور انجام می‌شود که جنگ‌های دهه هفتاد را جنگ همه علیه همه بخوانند و هیچ نیرو و شاخه‌ی را مستثنا قرار ندهند.

این گونه یکدست‌سازی بدون شک نه منصفانه است و نه هم با قواعد جنگ

حذف نام گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی از فهرست سیاه شورای امنیت سازمان ملل، چندان غیرمترقبه و به دور از تصور نبود. هر چند که با این موضوع کشورهای روسیه و فرانسه موافق نبودند، ولی متحدان جهانی افغانستان و سازمان ملل متحد که از روند صلح حمایت می‌کنند، این اقدام را عملی ساختند و امضای توافق‌نامه صلح میان دولت و حزب اسلامی را پیشرفتی در مذاکرات صلح تعبیر کردند.

شورای امنیت سازمان ملل گفته که حزب اسلامی از زمان امضای توافق‌نامه صلح، رابطه‌اش را با گروه‌های تروریستی و به‌ویژه القاعده قطع کرده و در برنامه‌های تخریب‌گرانه نیز نقشی نداشته است.

حذف نام آقای حکمتیار از فهرست سیاه در جامعه افغانستان نیز بازتاب گسترده داشته و دولت و هواداران این حزب از آن استقبال کرده‌اند. محمد اسماعیل قاسمیار مسوول روابط بین‌المللی شورای صلح، با استقبال از تصمیم شورای امنیت سازمان ملل، به یکی از رسانه‌های کشور گفت: "خوب است که دیگران (منظور گروه‌هایی که جنگ مسلحانه می‌کنند) سر عقل بیایند و از جنگ دست بردارند." آقای قاسمیار خواسته و ناخواسته حرفی زد که شاید به مزاج هواداران حزب اسلامی چندان خوشایند نباشد. از سخن آقای قاسمیار چنین فهمیده می‌شود که پیش از آن، یعنی زمانی که آقای حکمتیار در جنگ با دولت و نیروهای بین‌المللی متحد آن قرار داشته، غیرعادلانه عمل می‌کرده و حالا با پیوستن به روند صلح، بر سر عقل آمده است. آیا این برداشت حزب اسلامی نیز می‌تواند باشد؟

بدون شک خیر. زیرا اعضای رهبری این حزب حتی در زمانی که در نشست خبری خود از حذف نام آقای حکمتیار از فهرست سیاه سازمان ملل حمایت می‌کردند، به صراحت گفتند که چنین تصمیمی عادلانه است و نه این‌که بر حزب اسلامی منت گذاشته شده باشد. این بدان معناست که

سخن ماندگار

برف باری‌ها

و بی‌برنامه‌گی نهادهای مسوول

بارش برف ضمن آن‌که نعمتی گوارا محسوب می‌شود، اگر شدت یابد و آماده‌گی‌های لازم در برابر آن گرفته نشود، منشاء مشکلات و اتفاقات ناگواری نیز برای مردم و کشور خواهد بود. چنان‌که هر سال در افغانستان از این رهگذر وقایع و مشکلاتی دامن‌گیر مردم شده است. می‌تواند که دولت از این وقایع، پنجاه و تجریبات کلانی را دریافت می‌کرد و سال به سال، شاهد گوارایی بیشتر برف و باران و سایر کنش‌های طبیعی در کشورمان می‌بودیم.

اما متأسفانه هرگز چنین نشده و ما همچنان در هنگام برف و باران‌های شدید، در شرایط آسیب‌پذیر و غافل‌گیرانه قرار می‌گیریم. در سال‌های گذشته، بارها با خسارات و تلفات جانی و مالی قابل توجه در ولایت‌های مختلف روبه‌رو شده‌ایم. در زمستان امسال اگرچه تا کنون خبری از رویدادهای مصیبت‌بار به گوش نرسیده، ولی با توجه به این‌که پیش‌بینی می‌شود که تا پایان فصل زمستان شاهد برف‌باری‌های بیشتری خواهیم بود، نیاز است که نهادهای امداد رسانی و کمیته ملی اضطرار، همه آماده‌گی‌های لازم را اتخاذ کنند تا خدای نکرده با یک مصیبت و فاجعه انسانی دیگر روبه‌رو نشویم.

تکرار تلفات جانی و مالی در هر زمستان و بهار به دلیل وقوع سیل یا بهمن، تقریباً به یک امر عادی در کشور تبدیل شده است. همواره نهادهای مسوول با «طبیعی» خواندن چنین حوادثی، کوشش می‌کنند بار مسوولیت را از شانه‌های خود دور کنند و چنین بنمایند که برای پیش‌گیری از این حوادث، کار زیادی نمی‌توان انجام داد. اما دانش امروزی و تجربه کشورهای بلاخیز اما مدرن جهان حکم می‌کند که می‌توان با دوراندیشی و مدیریت بهینه، قهر طبیعت را مهار کرد و صرفاً رخِ دل‌نواز آن را به تماشا نشست.

در افغانستان متأسفانه به دلیل نبود دانش و درایت لازم، هر زمستان با بارش برف‌های سنگین، خانه‌های قدیمی و روستایی، تخریب و راه‌های مواصلاتی مسدود می‌گردد، نرخ مواد سوختی و غذایی نیز از این رهگذر سیر صعودی به خود می‌گیرد. برخی شاهراه‌های مهم و حیاتی مانند سالنگ، در نبود تدابیر جدی از سوی دولت، پس از هر برف‌باری سنگین، برای چندین روز مسدود می‌ماند. راه‌های ارتباطی ولسوالی‌ها و قریه‌جات ولایات کوهستانی می‌مانند بدخشان نیز بر اثر برف‌ریزی‌ها قطع می‌شود و تلفاتی را به بار می‌آورد.

برف شدید روز گذشته در کابل نیز که رخصتی عمومی را در پی داشت، به‌روشنی نشان داد که در نبود آماده‌گی، برف می‌تواند زندگی عادی مردمان را حتا در پایتخت فلج بسازد. این برف‌باری در شهر کابل ۴۰ سانتی‌متر بیشتر نبود و رخصتی ناخواسته را به بار آورد؛ اما بر فرض، اگر این برف ۶۰-۱۰۰ سانت می‌بارید، خدا می‌داند که غیر از رخصتی، چه وقایع دیگری در همین پایتخت رخ می‌داد.

مسئله با طبیعی خواندن برف و باران و ... نمی‌توان از مسوولیت شانه خالی کرد. دولت مسوولیت دارد که حوادث طبیعی را نیز پیش‌گیری و مهار کند. دانش امروز، این امکان را برای بشر امروز فراهم آورده و دولت، متولی استفاده از این دانش و صیانت از جان شهروندان است. هم‌اکنون در نیمه ماه دوم زمستان قرار داریم و کمیته اضطرار و اداره مبارزه با حوادث طبیعی می‌باید برای برف‌باری‌های سنگین‌تر تا پایان این فصل در سراسر کشور آماده‌گی‌های لازم را بگیرد. همچنین می‌تواند که در هر فصلی با مطالعه اقلیمی لازم، تدابیر ضروری اتخاذ گردد. در پهلوی این‌ها، دولت افغانستان و کمیته اضطرار می‌بایست همه‌ساله برای مهار وقایعی چون سیل و برف‌کوچ در مناطق آسیب‌پذیر، برنامه‌های ملی نظیر غرس نهال و اعمار دیوارهای استنادی را پی بگیرند. مسلماً انجام کارهای زیربنایی، واقع قبل از وقوع حادثه تلقی می‌شود و کشورهای موفق دنیای امروز در قدم نخست، با انجام برنامه‌های زیربنایی و پیش‌گیرانه به جنگ حوادث طبیعی رفته‌اند و در قدم بعدی، در هر فصلی به فراخور تجریبات گذشته، تمهیدات و آماده‌گی‌های اضطراری لازم را اتخاذ می‌کنند.

اگر دولت افغانستان این الگوهای علمی را تعقیب کند، طبیعت کشور ما نیز فقط نیم‌رخ زیبا و گوارای خویش را به ما می‌نمایاند!



حالی که گروه طالبان توانسته اجماع منطقه‌یی کسب کنند. به گفته او، تا زمانی که دولت افغانستان از نبود همگامی درونی رنج برد کشورهاى منطقه به افغانستان به دید شک می‌نگرند.

اما لطیف نظری، آگاه سیاسى سفر آقای ربانى را به مسکو در شرایط کنونی برای از میان برداشتن تنش‌ها و فضای اعتمادسازی بیشتر میان هر دو کشور سودمند می‌داند و می‌گوید، در صورتی که زمینه گفت‌وگوهای سازنده میان افغانستان و روسیه فراهم شود این کار از بدتر شدن اوضاع سیاسى و امنیتی جلوگیری خواهد کرد.

آقای نظری، اوضاع افغانستان را وابسته به روابط میان حکومت ترامپ و پوتین می‌داند و می‌گوید، این روابط به گونه‌یی روی روابط کابل و مسکو اثر گذار است.

وزیر خارجه کشور در حالی به مسکو می‌رود که اخیراً روابط کابل و مسکو به گونه تیره شده است.

مسکو در نشست گفت‌وگوهای سه جانبه با پاکستان و چین در باره صلح افغانستان که در روزهای پایانی ماه سپتمبر در روسیه برگزار شد از کابل دعوت نکرد که این موضوع واکنش جدی وزارت خارجه افغانستان را برانگیخت و این وزارت در این باره خواهان وضاحت از روسیه شد.

مسئولان وزارت خارجه افغانستان از سفر صلاح‌الدین ربانى وزیرخارجه به مسکو خبر می‌دهند. آنان می‌گویند، آقای ربانى به دعوت رسمى سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه برای دو روز به این کشور می‌رود.

شکیب مستغنی، سخنگوی وزارت خارجه کشور به سلام‌وطندار می‌گوید، تقویت همکاری در بخش مبارزه با هراس‌افگنی و مواد مخدر، مسایل امنیتی، نظامی، اقتصادی و بازرگانی از محورهای اصلی سفر وزیر خارجه به مسکو است.

به گفته او، آقای ربانى در دیدارش با آقای لاوروف روی روابط روسیه با طالبان نیز گفت‌وگو خواهد کرد.

آقای مستغنی می‌گوید، وزیران خارجه افغانستان و روسیه روی تقویت روابط کابل-مسکو و حمایت دو کشور در مجامع بین‌المللی نیز صحبت خواهند کرد.

اما آگاهان سیاسى به این باور اند تا زمانی که راهبرد دونالد ترامپ رییس جمهور آمریکا در برابر افغانستان تغییر نکند و مسکو و واشنگتن در پیوند به افغانستان به توافق نرسند کاری از دست مقام‌های حکومتی بر نخواهد آمد.

آقای نظری می‌گوید، نزدیکی روابط افغانستان با آمریکا سبب مانع اجماع منطقه‌یی در باره کشور شده است در

زنی در بلخ خود و کودکانش را از آپارتمان پایین انداخت



می‌گوید که طبق معاینات آنان این زن هیچ بیماری روانی‌یی ندارد. به گفته دکتر شفیق، بسیاری از قسمت‌های بدن این زن شکسته است و در حالت وخیمی به سر می‌برد، اما حال کودکانش اکنون بهبود یافته.

نیلوفر سیار، یکی از فعالان مدنی بلخ نهادهای حقوقی و عدلی را به بی‌توجهی با این چنین قضیه‌ها متهم می‌کند و می‌گوید، در جریان یک هفته گذشته این سومین رویداد خودکشی است که دو مورد دیگر زنده‌گی‌شان را از دست دادند. این رویداد صبح دیروز در آپارتمان‌های بلخ صفا در شهر مزارشریف رخ داده است.

یک زن ۲۴ ساله در ولایت بلخ دو کودک سه ساله و چهار ساله‌اش را از طبقه پنجم آپارتمان پایین انداخت و سپس خودش اقدام به خودکشی کرد.

فوزیه حمیدی، دادستان این قضیه می‌گوید که شوهر این زن شش ماه پیش به آمریکا رفت و با گذشت زمان معلوم شد که او در این کشور با زن دیگری ازدواج کرده و ظاهراً او با شنیدن این خبر قصد خودکشی کرده است.

خود این زن هیچ چیزی به یادش نمی‌آید و از قرار معلوم «حافظه‌اش را از دست داده است». با این حال برادرش می‌گوید که او مبتلا به یک بیماری روانی است. دکتر شفیق، سرطیب شفابخانه بلخ

دولت در قبال غور سیاست عقب‌مانی را دنبال می‌کند

نشود، آنان به حرکات مدنی خود ادامه می‌دهند و اگر این خواست‌های مدنی به ثمر نرسد، برخلاف سیزده سال حکومت گذشته و دو سال حکومت وحدت ملی که غوریان از سیاست‌های دولت پیروی نمودند، دیگر پیروی نخواهند کرد.

ضیاء رفاه فعال مدنی غور در این پیوند می‌گوید: کاهش ۳۰ درصدی بودجه ملی انکشافی ولایت غور نشان دهنده این است که دولت به شکل سیستماتیک می‌خواهد این ولایت را در محرومیت نگه‌دارد. وی می‌افزاید: کاهش بودجه پیامدهای بسیار نامطلوبی به دنبال خواهد داشت و برای مردمی که نیاز مبرم به بخش‌های صحتی، آموزش و پرورش و امنیت دارند؛ این بودجه زمانی که کاهش پیدا می‌کند، بحران سختی را به دنبال خواهد داشت.

این فعال مدنی غور در ادامه می‌افزاید: حداقل اگر بودجه وزارت مالیه کشور کاهش یافته، دولت باید نهادهای امدادرسان مانند موسسات خارجی را ترغیب نماید تا به این ولایت توجه صورت بگیرد.

آقای رفاه می‌افزاید: هم‌اکنون به دنبال بارش شدید برف و مسدود شدن شماری از جاده‌ها در غور، مردم این ولایت با چالش جدی‌ای دست و پنجه نرم می‌کنند.

این باشندگان ولایت غور در پایان نشست از ارگ ریاست جمهوری، جامعه جهانی و نهادهای کمک‌کننده بین‌المللی خواستند تا بیش از این مردم غور را به یک جبر جغرافیایی رها نکنند و به نیازمندی‌های آنان توجه صورت بگیرد.

آنان در ادامه افزودند در صورتی که به خواست‌های مشروع آنان رسیدگی شود، این ولایت به عنوان یک ولایت زراعتی نه تنها به حکومت داری خوب سهم خواهد گرفت، بلکه به اقتصاد ملی نیز کمک چشم‌گیر خواهد کرد و از سوی هم، فرصت مساعد می‌گردد تا شرکت‌های بین‌المللی، ملی و خصوصی فرصت را مناسب ببینند تا معدن‌های جون زغال سنگ، سیماب، سرخ، نمک، آهن، طلا و غیره را استخراج کنند.

ولایت غور از جمله ولایات مرکزی کشور است که همواره به دلیل ناامنی‌ها، خشونت علیه زنان، قاچاق آثار تاریخی و معادن گاه ناگه بر سرزبان‌ها افتاده، اما از بازسازی و نوسازی در این ولایت کمتر سخن گفته شده است.

بیشتر است، قربانی بی‌کفایتی‌ها و بی‌مسئولیتی شخص وزیر شده است». آقای مبین در صحبت با ماندگار هم‌چنان به نبود سرک‌های آسفالت شده کافی در این ولایت تأکید نموده و می‌گوید: بودجه مالی سال جدید در حالی ۳۰ درصد کاهش داشته است که شاهراه غور-هرات و غور-کابل که نیاز اصلی باشندگان این ولایت است هنوز آسفالت نشده است.

وی می‌افزاید هفت ولسوالی این ولایت که به دلیل خرابی جاده‌ها مسدود شده‌اند برای باشندگان این ولسوالی‌ها به مثل «زندان» شده است.

رییس شورای جوانان غور در هرات هم‌چنان در ادامه می‌افزاید: جاده‌های ولایت غور در حالی مسدوداند که

شماری از دانشجویان و جوانان ولایت غور در یک نشست مطبوعاتی به کاهش سهم این ولایت در بودجه سال ۱۳۹۶ اعتراض نمودند.

آنان می‌گویند که سهم مردم ولایت غور در بودجه مالی انکشافی سال جدید ۳۰ درصد نسبت به سال مالی گذشته کاهش یافته است.

جوانان ولایت غور این کار حکومت را ادامه سیاست نرم عقب‌نگه‌داشتن ولایت غور می‌خوانند و می‌گویند: مردم غور به عنوان شهروندان ولایتی که در تمام امور با حکومت مرکزی سخت هم‌کار و هم‌پاست، در طی سال‌های گذشته در برابر سیاست نرم عقب‌مانی نگذاشته شده است.

آنان در ادامه می‌افزایند که در بودجه



شرکت‌های هوایی نیز در هفته فقط یک پرواز از غور به کابل دارند که شهروندان غور اکثراً توان پرداخت پول آن ندارند و این امر به چالش‌های آنان افزوده است.

جلال الدین جلال شهروند غور می‌گوید: تیکه‌داران قدرت در مرکز سیاست عقب‌زدن را در قبال غور پیش گرفته‌اند و همواره به بدامنی‌ها، خشونت علیه زنان و نقص حقوق بشر در این ولایت دامن می‌زنند.

وی می‌گوید: آقای غنی قبلاً در سفری که به این ولایت داشت وعده سپرده بود که در این ولایت دانشگاه و چندین مکتب تاسیس، جاده‌های این ولایت را آسفالت نموده و گروه‌های مسلح غیر مسئول و گروه داعش را از این ولایت ریشه‌کن می‌کند که نه تنها این وعده‌ها جامه عمل پوشیده، بلکه چالش‌های آنان چندبرابر شده است. آقای جلال هم‌چنان می‌افزاید: تا زمانی که به خواست آنان رسیدگی

مالی کشور به هیچ عنوان به نیازهای جدی و اولیه مردم غور که همانا معارف، راه‌سازی، امنیت، بهداشت و برق توجه نگردیده است. به گفته آنان، از شمار محدود مکاتب که در این ولایت وجود دارند، شمار زیاد آن از ساختمان معیاری محروم بوده و در تمام این ولایت ۱۴ کیلومتر جاده آسفالت شده وجود ندارد و به دلیل نبود راه‌های مناسب و دشوارگذر، راه رفت و آمد دست‌کم هفت ولسوالی به شهر فیروز کوه در موسوم زمستان بسته می‌گردد.

ضیاءالحق مبین، رییس انجمن دانشجویان و جوانان ولایت غور در هرات می‌گوید: بودجه در نظر گرفته شده بانوجه به مشکلات موجود در ولایت غور عادلانه نبوده و به مشکلات آنان خواهد افزود. وی ادامه می‌دهد: «در حالیکه بودجه مالی سال قبل تا ۹۰ درصد در این ولایت به مصرف رسید، اما متأسفانه ولایتی که نیازمند بودجه

ناروی نیروهای امنیتی افغانستان را آموزش می‌دهد

که کشورش در این بخش‌ها نیز آماده همکاری می‌باشد.

در همین حال دکتر عبدالله از همکاری‌های ناروی با دولت و مردم افغانستان قدردانی کرد.

وی گفت که طالبان در سال گذشته برنامه داشتند تا مراکز شماری از ولایت‌ها را اشغال کنند؛ اما از سوی نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان به شکست مواجه شدند.

رییس اجرایی همچنان از کمک و همکاری ناروی در زمینه آموزش دهی به نیروهای امنیتی افغانستان ابراز امتنان کرد.



گفت: «ما به آموزش نیروهای امنیتی و همکاری نظامی با افغانستان ادامه می‌دهیم». او مشخصاً به کمک قوای هوایی و نیروهای ویژه امنیتی افغانستان اشاره کرد و گفت

وزیر خارجه ناروی گفته است که کشورش به آموزش نیروهای امنیتی و همکاری نظامی با افغانستان ادامه خواهد داد.

دکتر عبدالله عبدالله رییس اجرایی روز یکشنبه (۱۷ دلو) با آقای بوریج برندی وزیر خارجه ناروی در قصر سپیدار دیدار کرد.

آقای بوریج برندی در این دیدار گفت که ناروی به تطبیق تعهداتی که در کنفرانس‌های وارسا و بروکسل به افغانستان سپرده بود، متعهد می‌باشد.

وزیر خارجه ناروی با اشاره به حضور شماری از سربازان کشورش در افغانستان



علی امیری - استاد مطالعات اسلامی دانشگاه ابن سینا

بخش دوم و پایانی

درونی یا بیرونی؟ اسلام با انحطاط

نمونه بعدی، عبدالکریم سروش است. تز مشهور او که به «قبض و بسط تئوریک شریعت» نام‌بردار است، تحول در شریعت را ناشی از تحول در بیرون شریعت می‌داند. چون شریعت با بیرون خود در تماس مستمر است، تحول در شریعت ناشی از تحول در دانش بشری بیرون از شریعت است. سروش خود در توضیح این دیدگاه این‌گونه اشاره کرده است: «پاره‌های مختلف معرفت بشری در دادوستد مستمرند و ربط و وثیق با یکدیگر دارند. اگر در علم نکته بدیعی روی نماید، معرفت‌شناسی و یا فلسفه را متأثر می‌کند. و تحول فهم فلسفی، فهم آدمی درباره انسان و جهان را عوض می‌کند. انسان و جهان که چهره دیگر یافت، معرفت دینی هم معنای تازه به خود می‌گیرد» (سروش: ۱۳۷۳، ۱۶۵). سروش در مورد دیگر، پیوند دین و معارف بشری را با صراحت بیشتر مورد تأکید قرار می‌دهد: «انسان‌شناسی انسان امروز با طبیعت‌شناسی وی و این دو با معرفت‌شناسی و متافزیک و دین‌شناسی او تناسب و تلائم دارند، و اضلاع یک چندضلعی و بل کمان‌های یک دایره‌اند. آدمی نمی‌تواند دین را چنان بفهمد که با انسان‌شناسی‌اش ناسازگار افتد و یا انسان را چنان بشناسد که علم وی در باب طبیعت را مخدوش سازد. و به همین سبب، نمی‌توان امروزه به دین‌شناسی کسی که طبیعت‌شناسی و انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی خود را تقیح نکرده است، مطمئن بود» (همان، ۱۶۹). خلاصه به نظر عبدالکریم سروش، اگر قبض و

این بدان معنا است که این دو شخص، هیچ بحرانی را در ذات و درون اسلام به رسمیت نمی‌شناسند. به نظر هر دو متفکر، یک ضرورت بیرونی (عالم تجدد) ضرورت نوسازی را در دین الزام کرده است. در اردوی متجددین مسلمان، به‌طور کل وضع به همین منوال است و به دو مورد یاد شده منحصر نمی‌شود. ولی جالب است که در جبهه علمای ظاهراً سستی نیز وضع به همین منوال است. سید قطب و آیت‌الله خمینی گرچه معلومات سروش و اقبال را از علوم جدید نداشتند، اما هر دو رجل دینی در انتقال بحران از درون اسلام به بیرون آن، با توسل و تمسک به هر وسیله ممکن تلاش کرده‌اند. سید قطب با تعمیم دادن صفت «جاهلیت» به تمام عصر خود، به‌جای فهم انحطاط اسلام از درون، باب جنگ با جهان را گشود و به نوعی خشونت کور و لایعنی دامن زد و آیت‌الله خمینی در رساله «ولایت فقیه»، عدم شکل‌گیری حکومت اسلامی را به یهود حواله داده است.

واقع اما این است که انحطاط اسلام، درونی است. اسلام به عنوان یک دین، خواه‌ناخواه امری تاریخی و اجتماعی است و مانند هر پدیده تاریخی و اجتماعی دیگر، فراز و فرود و رشد و انحطاط دارد. اندکی بعد از غزالی، در دنیای اهل سنت، آرایش نیروهای فکری به گونه‌ی شکل‌گرفت که مجال بقا برای تفکر و اندیشه فلسفی تنگ و در واقع نابود شد. کوشش‌های ابن رشد، با کامیابی همراه نبود و لذا ترکیبی از فقه و کلام و تصوف که به دست غزالی ایجاد شده بود، به سکه رایج اندیشه در جهان اسلام مبدل شد. در قرن هشتم، ابن تیمیّه عنصر کلام و تصوف را نیز از این سنت نحیف زدود و بدین‌سان با تاریخ‌زدایی از سنت و حذف مضمون انضمامی آن، هبوط و انحطاطی را کلید زد که سده‌های تاریک آتی پی‌آیند ناگزیر آن بود و تا کنون خروج از آن ممکن نشده است.

فکر غزالی در دنیای تشیع نیز تأثیرگذار بود، البته از نوعی دیگر. بدین معنا که آنچه را که به عنوان مداوم فلسفه در جهان تشیع می‌خوانیم، یک نوع عرفان شبه‌فلسفی است که بیش از هر عنصر دیگر، تحت تأثیر اندیشه‌های غزالی

شکل گرفته است. بعد از نصیرالدین طوسی، برهان و متد فلسفی در دنیای تشیع یک‌سره نابود نشد، اما موضوع فلسفه یک‌سره دینی شد و بحث‌های درازدامن درباره وجود، بدان‌سان که در مورد ملاصدرا می‌بینیم، هرچند شیوه و متد فلسفی داشت، در واقع غایت کلامی و الهیاتی پیدا کرده بود و غیبت تفکر مستقل فلسفی، یک واقعیت غیرقابل انکار بود. در این میان، آنچه که مشخصاً به انحطاط دینی برمی‌گردد، غیبت بحث در باب نبوت بود. نبوت یک موضوع اساسی در کلام اسلامی است که به دو بخش نبوت عامه و خاصه تقسیم می‌شود. به تدریج که با فخرالدین رازی و محمدبن عبدالکریم شهرستانی (در اهل سنت) و نصیرالدین طوسی (در اهل تشیع) کلام به فلسفه نزدیک شد، نبوت به امر قابل فهم بدل شد و به مثابه رویدادی در حیطه تعقل بشری قرار گرفت. شالوده‌های قرائت فلسفی از نبوت را قبلاً چهره‌هایی چون فارابی و ابن سینا تحکیم کرده بودند و نصیرالدین طوسی که به آثار این دو استاد فوق‌العاده تسلط داشت، از کار آنان به عنوان مواد و مصالح نظریه خود در باب نبوت استفاده کرد. اما قرائت فلسفی از نبوت از همان آغاز دچار چالش شد و نوعی روایت ارتدکسی از نبوت در کلام اهل سنت شکل گرفت که غزالی و ابن تیمیّه را می‌توان از نماینده‌گان برجسته آن به شمار آورد. غزالی در رساله معروف «المنقذ من الضلال» (نجات از گمراهی) ارتباط عقل و وحی را قطع کرد و وحی و نبوت را به «طور و رای طور عقل» منتقل و از دسترس بحث و نقد عقلی دور ساخت. در جهان شیعه، در فلسفه ملاصدرا نیز وحی از نوعی قابلیت انسانی و بشری بنا به روایت فارابی، به نوعی موهبت و افاضه عالم الوهی به انسان تقلیل یافت و نه تنها رابطه خود را با خرد برای همیشه از دست داد، که خود به عنوان نوعی منبع معرفت متعالی و مقدم بر وحی اعتبار یافت. در ادوار متأخر روایت ارتدکسی از وحی سیطره مطلق یافت و بقیه‌السیف اندیشه خردگرا امکان تجدید مطلع و بحث مجدد در باب وحی و نبوت را پیدا نکرد. این امر در نهایت به قطع مطلق پیوند خرد و دیانت منتهی شد و دین‌العجایز متأخران، جای دیانت خرد قدما را گرفت و به سکه رایج بدل شد. این‌که در سه قرن اخیر مسلمانان نظریات ارتدکسی کلاسیک در باب نبوت را تکرار کرده‌اند و در فضای جدید با توجه به خرد مدرن و علم مدرن هیچ‌گونه بحثی در باب نبوت صورت نگرفته است، خود بزرگ‌ترین رویدادی است که در عالم اسلام اتفاق افتاده است. ماهیت این رویداد همان انحطاط درونی اسلام است.

نبوت رکن اصلی ایمان اسلامی است و نداشتن نظریه منقح، منطقی و قابل دفاع از نبوت می‌تواند به معنای گسست علم از ایمان در جهان اسلام باشد. این درست همان انحطاطی است که از درون چون خاری بر سراسر ارکان دیانت اسلامی خلیده است. عجلان نمی‌توان در مورد خروج از وضع منحط کنونی چیز مناسبی گفت، اما به اجمال اشاره می‌کنم که فقدان بحث علمی در باب نبوت اگر نشانه گسست علم و ایمان و در نهایت، علامت انحطاط درونی دیانت اسلامی در جهان معاصر باشد، بازگشت به این بحث نیز می‌تواند نقطه آغاز مناسبی برای خروج از بن‌بست بحران و انحطاط کنونی باشد. آیا می‌توان در باب وحی و نبوت، فارغ از پیش‌فرض‌های کلامی کلاسیک، به گونه علمی، مستقل و منطقی بحث کرد و بعد از بازسازی آن بر شالوده‌های دانش و خرد روزگار، تهداب ایمان تازه و شکل جدیدی از زنده‌گی مؤمنانه را گذاشت؟

با همین پرسش، سخنانم را ختم می‌کنم.
والسلام.

عبدالله دانش

خاطره‌نگاری، صمیمانه‌ترین و شریف‌ترین فن و هنر است. خاطره‌نویسی می‌تواند گاهی اوقات عواطف دیگران را هم بازتاب دهد. این نوع ادبی برخلاف شعر، آزادی ذهنی را مهار نکرده و نگارنده هیچ‌گونه قیدوبندی در نگارش آن احساس نمی‌کند.

با آن‌که خاطره‌نگاری در ادبیات پارسی دری - چه به صورت نظم و چه به صورت نثر - در گذشته ادبی ما کاربرد فراوان داشته است، اما متأسفانه در افغانستان امروز به این گونه ادبی کمتر توجه شده است. در کشور ما معمولاً شخصیت‌های سیاسی و دولت‌مردان بوده‌اند که به نوشتن یادواره‌های خویش همت گماشته‌اند.

سلطان‌علی کشتمند، میرغلام محمد غبار - در بخش‌هایی از کتاب معروف خود «افغانستان در مسیر تاریخ» - خانم بلقیس مکیز و در تازه‌ترین مورد هم آقای رحمت‌الله بیگانه نویسنده نام‌آشنای کشور، از شمار کسانی‌اند که قدرت بیان کافی در نگارش یادواره‌های زنده‌گانی‌شان داشته‌اند.

تحولات و دگردیسی‌های سیاسی کشور طی دهه‌های پسین، خاطرات تلخ و اسفناکی را به حافظه هم‌میهنان ما سپرده است؛ همه از تحولات کشور چیزهایی به خاطر دارند و گوشه‌یی از جغرافیای این سرزمین نیست که اندوه مردمانش را نچشیده باشد.

«پاره‌های پیوسته»ی رحمت‌الله بیگانه، یکی از ناب‌ترین و نفیس‌ترین آثار خاطره‌نویسی در تاریخ ادبیات کشور ما به شمار می‌آید. نخستین زیبایی اثر، در پارادوکس نام آن پیداست که با دریافت‌های ادبی و رویکردهای معنوی کلام، می‌شود آن را تاویل و توجیه کرد.

«پاره‌های پیوسته»، گزیده‌یی از بهترین خاطرات آقای بیگانه و چشم‌دیدهای حقیقی اوست که گوشه‌هایی از تاریخ دهه‌های تجاوز قشون سرخ شوروی، جنگ‌های داخلی و ویرانی‌ها و آوارگی مردم کشور را، دور از هرگونه ترفندهای متکلف ادبی و با صداقت و امانت‌داری کامل به تصویر کشانده است. خاطراتی را که آقای بیگانه در این اثر یادآور شده است، عموماً در برگیرنده قطع زمانی‌یی است که سلسله وقایع و اتفاقات آن را دقیق و تاریخ‌وار تذکر داده است. این خاطرات بیش از همه برای خواننده دریافت تاریخی داشته و به نحوی اطلاعاتی از تاریخ دهه‌های گذشته کشور

در اختیار قرار می‌دهد و در واقع، می‌شود گفت نویسنده با بیان این یادواره‌ها، درس‌های آموزنده و عبرت‌انگیزی به خواننده‌گان می‌دهد.

یکی از برتری‌های بارزی که در نوشتن گزارش‌های زنده‌گی انسان‌ها و به طور اخص «پاره‌های پیوسته»ی آقای بیگانه در مقایسه با آثار تاریخی دیده می‌شود، این است که خاطره‌نگاری، وقایع و حقیقت‌های عصر نویسنده را بدون تحریف‌های تاریخ‌نگاری پیش چشم قرار می‌دهد؛ زیرا بیشترین تاریخ‌هایی که از سوی بعضی مورخان نگاشته می‌شود، گرایش‌های ایدئولوژیک، سلیقه‌های فردی و تحلیل‌های نادرست نویسنده‌گان در آن دخیل بوده است. بنابراین، مهم‌ترین ارزش این اثر را می‌توان در کارکرد تاریخی آن جست‌وجو کرد.

خاطره به دو صورت ممکن است روایت شود:

۱. روایت مستقیم
۲. روایت غیرمستقیم

در این جا تنها به روایت مستقیم می‌پردازیم و آن در صورتی است که شخص خود در ماجرا نقش داشته و خود جزو آفریننده‌گان حادثه به شمار می‌رود. لذا حادثه به شکل شخص اول روایت می‌گردد. بیشترین پاره‌های خاطرات آقای بیگانه، به گونه مستقیم و شخص اول روایت شده است. مثلاً: "ششم میزان ۱۳۷۳ هنگامی که با برادرم عزیزالله ایما و عبدالقهار عاصی، در معرض اصابت موشک قرار گرفتیم، پای راستم شکست و جراحات عمیقی برداشتم. خوش‌بختانه به کوشش دکتر شفاخانه وزیرمحمد اکبرخان بهبود نسبی یافتم."

اگر به کتاب «پاره‌های پیوسته»ی رحمت‌الله بیگانه از نقطه‌نظر اسلوب نگارش نظر دقیق بیندازیم، در هیچ جایی از نوشته‌های او عبارت‌های مبهم و جمله‌های پیچیده و ناآشنا دیده نمی‌شود. این اثر به شیواترین و رساترین روش ساده‌نویسی آراسته شده است؛ اما ساده‌نویسی نه به مفهوم افراطیت و ابتذال سخن.

پاکی فکر، رعایت عفت قلم در موارد سیاسی و تاریخی، وحدت موضوع، ربط طبیعی معانی با همدیگر، زیبایی نقل قول از زبان دیگران، پرهیز از اطناب کلام و رعایت مساوات در کاربرد صنایع ادبی، از ویژه‌گی‌های برجسته «پاره‌های پیوسته» شمرده می‌شود. نویسنده در یکی از پاراگراف‌های اثر خویش، جنگ‌های داخلی کشور را چنین به تصویر کشیده است:

«شعله‌های آتش تجاوز و حرص قدرت‌خواهی، از استقامت‌های مختلف شهر زیانه می‌کشید؛ شهر در تیررس جنگ‌جویان بهانه‌جو قرار داشت؛ ما از هراس فیر راکت‌ها، شبانه پناهگاه‌های امن‌تر و مستحکم‌تر را جست‌وجو کرده و به خواب می‌رفتیم و هر شب چهره هیولایی گلبدین حکمتیار را در خواب می‌دیدیم

که دستار سیاه در سر داشت و آیت جهاد و قتل مردم کابل را می‌خواند».

خاطره‌نویسی با فردیت انسان رابطه دارد و نویسنده آن می‌کوشد تا به بیان عاطفی رخداد‌های زنده‌گی فردی خود بپردازد. آن‌گاه که آقای بیگانه خاطرات فردی خویش را با مهارت‌های کامل نویسنده‌گی یادداشت‌برداری می‌کند، صحنه‌های تلخ و شیرین زنده‌گی خویش را چنان موبه‌مو، صادقانه و پُررنگ روی کاغذ می‌ریزد که دیگر مسأله احساس فردی مطرح نیست؛ احساس فردی به احساس اجتماعی ابدال می‌شود و هر انسان درد کشیده‌یی می‌تواند احساس‌ها و عاطفه‌های خویش را در این آئینه به تماشا بنشیند و این خود گونه‌یی از تأثیرگذاری در نگارش گفته می‌شود.

به طور مثال، وقتی آقای بیگانه هر بار به دیدار مادر بیمارارش در بیمارستان جمهوریت می‌آید، صحنه عیادت و گفت‌وگو با مادر را چنان زیبا و صمیمانه و عادی تصویر می‌کند که خواننده گمان می‌برد خود به جای نویسنده قرار گرفته است:

«در ایام مرضی مادرم، وقتی صبح‌ها به شفاخانه جمهوریت می‌رسیدم، بالای بستر مادرم می‌ایستادم و او می‌شنیدن صدایم، دستان خود را به آهسته‌گی، به رویم می‌کشید و می‌گفت: «همراه کی آمدی بچم، با چی آمدی؟ بسیار به زحمت شدی!» (پاره‌های پیوسته، رحمت‌الله بیگانه، ص ۲۰)

احساس و عاطفه زمانی در خاطره‌های رحمت‌الله بیگانه فوران می‌کند که به اثر راکت‌پراکنی‌های امیرحزب اسلامی! عبدالقهار عاصی شهید، عزیزالله ایما - برادر آقای بیگانه - شدیداً زخمی می‌شود و او خود به سبب شکستن پایش، زیر تیغ عملیات جراحی در بیمارستان وزیرمحمد اکبرخان می‌رود؛ بیگانه‌یی که زمانی به دیدار مادر بیمارارش به بیمارستان می‌رفت و اکنون مادری نیست تا او را زیر سایه مهربانی‌اش قرار دهد. بریده‌یی از متن این خاطره:

«قرار بود من بدون هیچ مقدمه‌یی زیر تیغ عملیات بروم، در حالی که در عملیات‌ها ابتدا خون آماده می‌شود و بعد از کسب اجازه و گرفتن مکتوبی از خانواده، زخمی به میز عملیات منتقل می‌گردد؛ اما متأسفانه از خانواده ما هیچ کس حضور نداشت تا چنین خطی را به داکتران موظف بدهد..... روی تخت عملیات دراز کشیدم، آرام

بودم و هیچ کس به یادم نمی‌آمد. مادر نداشتم که مهربانی‌اش در آن لحظات به ذهنم می‌آمد و دیگران نیز برایم ارزش حضور نداشتند، هیچ حسی نداشتم». (بیگانه، ۱۲۲)

برجسته‌سازی، یکی از کارهای مهم درخاطره‌نویسی است که نویسنده بر نقطه مهم یک رویداد مکتب می‌کند و آن را گونه‌یی که اتفاق افتاده، از چشم یک شاهد تیزبین نقل می‌نماید. مثلاً زمانی که نویسنده از خاطرات کاکا تاج‌الدین - محافظ آمر صاحب - قصه می‌کند: «آمر صاحب در مدت ۱۴ سال جهاد خواب راحت نکرده بود؛ در نخستین جنگ و شکست که پای آمر صاحب زخم برداشته بود، بسیار تنها بودیم، به جز تلخان چیزی به خوردن نداشتم و همچنان در محاصره دشمن قرار داشتیم. آمر صاحب به من گفت: اگر دید من اسیر می‌شوم، مرا به مرمی بزن و زنده نگذار!» (بیگانه، ص ۲۰۵)

به همین ترتیب، حادثه شهادت عبدالقهار عاصی، شاعر پُرآوازه کشور، شکستن پای راست آقای بیگانه و زخم برداشتن شدید برادرش، عزیزالله ایما را که هر سه به اثر اصابت موشک در کارته پروان به خاک و خون می‌غلتنند، می‌توان یکی از بهترین نمونه‌های برجسته‌سازی نویسنده اثر برشمرد. (همان اثر، ص ۱۱۹)

یکی از ویژه‌گی‌های دیگر اثر در این‌جاست که آقای بیگانه خاطرات سی‌وهشت‌ساله خویش را با ذکر دقیق تاریخ، روز، ماه، سال و حتا همان ساعتی را که در آن رویداد اتفاق افتاده است، روایت می‌کند. و درحقیقت، همین دقت نویسنده در نوشتن اسناد موثق، باعث شده است که خاطرات نویسنده جالب‌تر و دلچسپ شود.

خاطرات زنده‌گی انسان‌ها می‌تواند به صورت‌های متفاوت شکل بگیرد؛ گاهی چنان اتفاق می‌افتد که ما در زنده‌گی خود شاهد حادثه‌یی تلخ و تأسفبار بوده ایم که بیشتر این‌گونه حوادث در کشور ما به وقوع می‌پیوندد؛ گاهی در زنده‌گی روزانه‌مان، خوش‌ترین و شیرین‌ترین خاطرات را هم داشته ایم و زمانی هم محیط پیرامون ما پُر از خاطرات جالب بوده است. نکته‌یی را که می‌خواهم بدان اشاره نمایم، این است که رحمت‌الله بیگانه در کنار خاطرات تلخ و ناخوشایندش، در جا جایی از کتاب «پاره‌های پیوسته» خاطره‌هایی را ذکر می‌کند که نکته‌های جالب در آن دیده می‌شود. به طور نمونه «گذر از هفت‌خوان رستم» عنوان یکی

ازخاطره‌های آقای بیگانه است که در سال ۱۳۷۶ اتفاق افتاده است؛ وقتی او می‌خواهد از پنجشیر با یکی از دوستانش به نام محمد امین، به سوی کابل برود، نان چاشت را در ولسوالی عنابه نوش جان می‌کند که در آن به نکته‌جالبی اشاره نموده است:

«حوالی ساعت ۲ پس از چاشت به عنابه رسیدیم. محمد امین خان در این ولسوالی دوستی داشت. نان چاشت را برای ما بیست دانه تخم پختند که سه دانه آن را من و باقی را رفیق همراهم نوش جان کرد. باز هم با پای پیاده به سوی مقصد حرکت کردیم». شمارش بیست تخم هم کار جالبی است.

عنوان‌های «دعای پیرزن» ص ۷۲، «چیزی برای از دست دادن ندارم» ص ۲۳۷ و... نیز دارای نکات جالب‌اند. به صورت اختصار می‌توان گفت کتاب «پاره‌های پیوسته»ی رحمت‌الله بیگانه از چند نگاه سزاوار ستایش است:

نخست این‌که: او در این اثر، رخداد‌های زنده‌گی خویش را با ذکر شواهد تاریخی و سندهای دقیق آن، و بُرشی از تاریخ و اوضاع نابهنجار سیاسی چند دهه پسین افغانستان را با نگرشی تازه و واقع‌بینانه روایت کرده است.

دوم این‌که: نویسنده، اثر را به بهترین معیارهای نگارشی و دور از تکلف‌های نثر و پیچیده‌گی لفظی آراسته است؛ او با انتخاب نثر ساده، روان، صمیمی و پرهیز از واژه‌ها و اصلاحات دور از ذهن، توانسته است مفهوم مورد نظر خویش را به روشنی به خواننده انتقال دهد.

سوم این‌که: آقای بیگانه با نگارش این اثر توانسته است خدمتی بزرگ در راستای ادبیات منشور و ژانر خاطره‌نویسی - که در کشور ما کمتر بدان توجه صورت گرفته است - انجام دهد.

«پاره‌های پیوسته»ی رحمت‌الله بیگانه،

یکی از ناب‌ترین و نفیس‌ترین آثار خاطره‌نویسی در تاریخ ادبیات کشور ما به شمار می‌آید. نخستین زیبایی اثر، در پارادوکس نام آن پیداست که با دریافت‌های ادبی و رویکردهای معنوی کلام، می‌شود آن را تاویل و توجیه کرد.

«پاره‌های پیوسته»، گزیده‌یی از بهترین خاطرات آقای بیگانه و چشم‌دیدهای حقیقی اوست که گوشه‌هایی از تاریخ دهه‌های تجاوز قشون سرخ شوروی، جنگ‌های داخلی و ویرانی‌ها و آواره‌گی مردم کشور را، دور از هرگونه ترفندهای متکلف ادبی و با صداقت و امانت‌داری کامل به تصویر کشانده است

بهاره

«پاره‌های پیوسته»



پاره‌های پیوسته



جمعیت اسلامی:

از گفت و گوهای عطا محمد نور با ارگ حمایت می کنیم



وحدت ملی نتوانسته زمان برگزاری انتخابات پارلمانی را تعیین کند، و برای اجرایی شدن سایر مواد موافقت نامه نیز اقدامات لازم صورت نگرفته است.

در این اعلامیه تذکر رفته است که جمعیت اسلامی افغانستان ضمن تاکید مجدد بر اجرایی شدن موافقت نامه حکومت وحدت ملی از جانب سران این حکومت، مشارکت و حضور نمایندگان همه اقشار مردم را در حکومت وحدت ملی یکی از اصول این نوع حکومت میداند. در همین راستا شورای رهبری جمعیت اسلامی افغانستان تایید می نماید که گفتگو های جناب استاد عطا محمد نور رییس اجراییه این حزب و والی بلخ با ریاست جمهوری به نمایندگی این حزب و در هماهنگی با شورای رهبری صورت گرفته و این شورا از ادامه این گفتگو ها نیز حمایت می نماید.

در بخشی از این اعلامیه آمده است: با توجه به این که از آغاز گفتگو ها مدتی می گذرد و مردم نیز می خواهند نتیجه این گفتگو ها نویدی باشد برای ثبات و تامین مشارکت بیشتر در حکومت وحدت ملی، شورای رهبری جمعیت اسلامی افغانستان انتظار دارد تا این نتایج در دو ماه آینده مشخص شود.

که موافقت نامه حکومت وحدت ملی برای ثبات و تداوم مردم سالاری در وضعیتی امضا شد که در نتیجه بحران انتخاباتی سال ۱۳۹۳ نزدیک بود افغانستان دچار بی ثباتی بزرگ گردد. براساس این اعلامیه، هر چند اقداماتی ناکافی در جهت عملی کردن موافقت نامه حکومت وحدت ملی انجام پذیرفته، مانند ایجاد تغییراتی در قوانین و کمیسیون های انتخاباتی؛ ولی از جانب دیگر تا هنوز حکومت

جمعیت اسلامی در اعلامیه‌یی از گفت و گوهای عطا محمد نور رییس اجرایی این حزب با ارگ حمایت کرده است.

این حزب در اعلامیه‌یی نگاشته است: جمعیت اسلامی افغانستان به عنوان یکی از طرف‌های اصلی تشکیل دهنده حکومت وحدت ملی از آغاز شکل‌گیری این حکومت تأکید بر اجرایی شدن موافقت نامه حکومت وحدت ملی کرده است. در این اعلامیه آمده است

حزب اسلامی حکمتیار:

در انتخابات آینده حضور گسترده خواهیم داشت

اسلامی در پُست‌های مهم متعهد شده است. ۵. رئیس‌جمهور افغانستان شخصاً متعهد شده که روند انتخابات در بهار سال جدید اجرایی می‌شود و حزب اسلامی بطور وسیع در انتخابات شرکت می‌کند. ۶. رهبری دولت از چهار ماه گذشته بدین سو، برای اقامت دائمی حکمتیار رهبر حزب اسلامی و دیگر شخصیت‌های مهم شورای مرکزی حزب اسلامی به صورت عملی تلاش می‌کند. ۷. هیئت دولت برای ثبت نمودن معلولان و وارثان کشته‌های حزب اسلامی جهت کسب حقوق‌شان اطمینان داده تا این روند تکمیل شود.



محمد امین کریم عضو ارشد حزب اسلامی و رییس هیأت مذاکره کننده این حزب، نیز چند روز قبل در گفت‌وگو با رسانه‌ها گفته بود که اگر خواسته حزبی عملی شود، گلبدین حکمتیار تا آخر بهمن سال جاری به کابل خواهد آمد. کریم اعلام کرده بود که رفع تحریم‌های حزب اسلامی، رهایی تعدادی از زندانیان، اختصاص زمین به مهاجرین بازگشت کننده و تعیین اقامتگاه مناسب در پایتخت افغانستان از شروطی است که باید برآورده شوند.

۱. دولت مسئولیت و تعهد خویش می‌داند تا جامعه بین‌المللی را وادار کند تا در برداشتن تحریم‌ها و حذف نام سران حزب اسلامی از فهرست سیاه همکاری نماید. ۲. دولت نسبت به آزاد نمودن تمام زندانیان حزب اسلامی اطمینان می‌دهد. ۳. وزارت امور مهاجرین نیز از سپردن زمین برای بازگشت مهاجرین حزب اسلامی در کمپ «نصرت مینه» و دیگر کمپ‌های مهاجرین در ایران و پاکستان اعلام آمادگی کند. ۴. جهت برقراری صلح، امنیت و رفاه مردم و کشور، رهبری دولت برای جذب افراد غیرنظامی حزب

پس از خارج شدن نام حکمتیار از فهرست سیاه سازمان ملل، حزب اسلامی با صدور بیانیه‌یی تلاش خود را برای حضور هرچه سریع‌تر رهبر این حزب در کابل و شرکت گسترده در انتخابات آینده افغانستان آشکارتر کرده است.

چند روز قبل شورای امنیت سازمان ملل متحد در بیانیه‌یی اعلام کرد که نام گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی از فهرست سیاه این سازمان حذف شده است.

در میزان سال جاری رهبر حزب اسلامی و حکومت وحدت ملی افغانستان توافقنامه صلح امضا کردند که خارج شدن نام حکمتیار از فهرست سیاه سازمان ملل و آزادی زندانیان این حزب از جمله مفاد این توافقنامه بود.

در پی این اقدام سازمان ملل با پیگیری دولت افغانستان، حزب اسلامی به نقل از حکمتیار با صدور بیانیه‌یی در سایت رسمی خود نوشت که حزب اسلامی در انتخابات آینده افغانستان حضور گسترده خواهد داشت.

در بیانیه آمده است که سران حکومت وحدت ملی افغانستان بر عملی کردن مفاد توافقنامه صلح با حزب اسلامی تأکید دارند و اجرای مواد زیر در دستور کاری جدی هیئت دولت کابل قرار دارد:

افغانستان کی مخ پر زیاتبدونکې سرطان ناروغي هر کال ۱۵ زره کسان وژني



د فبروری ۴ مه د سرطان ناروغۍ پر وړاندې د مبارزې نړیواله ورځ ده، د افغانستان د عامې روغتیا وزارت وايي، په افغانستان کې هر کال ۲۰ زره کسان د سرطان په ناروغۍ اخته کېږي چې کابو ۱۵ زره تنه یې له امله مړه کېږي.

د دغه وزارت د روغتیايي خدمتونو د برخې مشر ډاکټر سید حبیب اروال د یکشنبې په ورځ په دې اړه ازادې راډیو ته وویل چې د سرطان ناروغۍ شمېرې د افغانستان په کچه په ټوله نړۍ کې د پراخېدو په حال کې دي. نوموړي زیاته کړه:

"په ټوله نړۍ کې تقریباً اته اعشاریه دوه میلیونه کسان هرکال د سرطان ناروغۍ له امله خپله مړي، په افغانستان کې هم دا شمېره مخ په لوړېدو ده او په کلني ډول تقریباً شل زره کسان د سرطان په ناروغۍ اخته کېږي چې کابو ۱۵ زره تنه یې مړه کېږي، په خواشینۍ سره دا ډېره لوړه کچه ده دا ځکه چې په افغانستان کې د سرطان د کنټرول او درملنې لپاره امکانات ډېر کم دي."

د افغانستان د عامې روغتیا وزارت وايي، د دغې ورځې د لمانځنې نه یې هدف دا دی خو د سرطان د وژونکې ناروغۍ د مخنیوي په اړه د خلکو عامه پوهاوی زیات شي. ډاکټر سید حبیب اروال همدارنگه د دې رنځ عمده لاملونه په خوړو کې بې احتیاطي، د مخدره توکو کارول، بې وزلي، د اوبو لږ څښل، ورزش نه کول، ککړ چاپېریال او داسې نور په گوته کوي.

نوموړي همدارنگه د سرطان د ناروغۍ بېلابېلو نښو نښانو ته اشاره وکړه چې په وینا یې باید ورته جدي پاملرنه وشي.

نوموړي زیاته کړه: "لومړۍ خبره داده چې سرطان د انسان د بدن د حجرو د نابېرې غټوالي نه پیدا کېږي او دوهمه ستره نښه یې داده چې د حجرو غټوالی که د وجود په هره برخه کې پیدا کېږي دا درد انسان نه احساسوي او بې له کوم دلیل نه د وجود یوه برخه کې غټوالی پیدا کېږي، مثلاً سیدې سرطان نو لازمه ده چې انسان په هرو شپږو یا یوه کال کې پوره معاینات وکړي."

نوموړي وویل چې د ځینو معلوماتو له مخې د ښځو په پرتله تر ډېر نارینه د سرطان په ناروغیو اخته کېږي.

د افغانستان د عامې روغتیا وزارت وايي، په ټوله نړۍ کې د سرطانو تقریباً سل ډوله پېژندل شوي دي او له دې ډلې د سپرو او د سینې سرطانونه په سر کې ځای لري.

د دغه وزارت په وینا اوس مهال د کابل ښار په جمهوریت او استقلال روغتونونو کې د دې رنځ د تشخیص او درملنې لپاره څانگې جوړې شوي چې دا به د دې ناروغۍ په کنټرول کې مهم رول ولوبوي.

خو یو شمېر روغتیايي متخصصین انتقاد کوي چې د افغانستان د عامې روغتیا وزارت د سرطان د تشخیص او درملنې لپاره یوازې په مرکز کې محدود شمېر مرکزونو جوړ کړي چې دا مرکزونو د خلکو ستونزې نشي هوراوولی.

ډاکټر پرویز اقبال په دې اړه وویل:

"په افغانستان د عامې روغتیا وزارت یو څه ناڅه اقدامات کړي دي خو دغه اقدامات بسنه نه کوي لکه د سرطان د ناروغۍ د تشخیص او درملنې لپاره یوازې د دوو مرکزونو جوړول ډېر کم دي ځکه په ولایتونو کې دا مرکزونو نشته."

ښاغلی اقبال وايي، په افغانستان کې د سرطان ناروغۍ د تشخیص او درملنې لپاره د پرمختللو وسایلو نشتون او په دې برخه کې د روغتیايي متخصصینو کمښت هغه ستونزې دي چې د افغانستان د عامې روغتیا وزارت باید ورته جدي پاملرنه وکړي.

یک هوتل مجل در کابل بر اثر بارش سنگین برف فرو ریخت



یکی از هوتل های مجل در کابل بر اثر بارش سنگین برف فرو ریخت، اما در این حادثه به کسی آسیب نرسیده است.

هوتل آسمایی در منطقه نسبتاً مرکزی کابل موسوم به نوآباد در نزدیکی مسجد شاه دو شمشیره یکی از هوتل های مجل کابل و محل برگزاری بسیاری از مراسم و جشن های مردمی بود که بخشی از آن، روز یکشنبه بر اثر بارش سنگین برف فرو ریخت. یک نگهبان این هوتل گفت که در این حادثه به کسی آسیب نرسیده است.

همچنان در کابل نیز شاخه های شماری از درختان شکسته و شماری دیگر از درخت های کنار جاده ای نیز از ریشه درآمدند.

عبدالله حبیب زی شهردار کابل نیز در صفحه اجتماعی خود از مردم کابل خواست که برف های درخت های کابل را بتکانند تا سنگینی برف مانع از شکسته شدن و یا فرو افتادن آنها شود. رئیس جمهوری افغانستان نیز شب گذشته به امور رسیدگی به حوادث طبیعی و کمیته حالات

کشور است و دهها تن دیگر نیز آسیب دیده اند و صدها هکتار زمین کشاورزی همراه با محصولات نیز تخریب شده است. وزارت کار و امور اجتماعی نیز روز یکشنبه را در سراسر افغانستان تعطیل عمومی اعلام کرده است.

اضطراری آماده باش داد و از آنها خواست تا با تمامی امکانات به کمک آسیب دیدگان از سرمای شدید و بارش سنگین برف بشتابند. گزارش ها از مناطق مختلف افغانستان حاکی از کشته شدن نزدیک به ۸۰ تن از شهروندان این

فیسبوک نامه

محمد اکرام اندیشمند



می گویند آرزوی خری را صاحبش خواند که برای نجات از بارکشی و خر گری آرزوی مرگ او را می کشید. اما صاحبش به خر گفت: اگر من بمیرم، یک آدم دیگر صاحب می شود و هم چنان سواری می شود و بارت می کند. اگر تو می خواهی از سواری دادن و بار بردن رها شوی، از خریدت رها شو.

باربری و ظلم پذیری انسان ها در یک جامعه نابرابر و به دور از عدالت اجتماعی و فرو رفته در جهل، فقر و خرافات؛ سکوت، اطاعت و انقیاد شان از فاسدان، دزدان، ظالمان و خیانت کاران، مشابه همین داستان خر و صاحبش است.

تا زمانی که رعیت باشد، ارباب وجود دارد و نظام ارباب رعیتی حاکم است. تا زمانی که ظلم پذیری در جامعه باشد، ظالم وجود دارد و نظام ظلم حکومت می کند. تا زمانی که جامعه، جاهل و خرافات پذیر باشد، از اسارت جهل بسوی آگاهی و آزادی، راه نمی گشاید.

Cemz Ludin



کابل بی زر باد و اما بی برف مباد، برف که حکم زر به این شهر دارد و بی برفی که به بی زر بودن کابل بیشتر دامن میزند تجربه های بدی به کابلیان گذاشته اما در آخرین نفس های زمستان امسال نزولات آسمانی بر شهر کابل سایه ای از برکت و رحمت گستراند و مردم از نعمت باران و برف یا زر بی نصیب نماندن، اگر بارندگی ها حد نصاب خود را در این فصل تکمیل کنند مردم نه تنها از کم آبی رنج نخواهند برد بل از شر امراض ساری تابستانی و انواع حشرات موذی و مضر نیز راحت خواهند بود.

بنا بر این ایجاب می کند دولت پیش بینی های خود را از وضع بارندگی داشته باشد و برای هر حالتی آمادگی های لازم را هم در عرصه رفع کم آبی و هم در زمینه های اجتماعی و صحتی از همین اکنون روی دست بگیرد.

عطا محمد نور



سترنرال عطا محمد نور والی بلخ و رییس شورای اجرایی جمعیت اسلامی به دعوت آقای بورگی برندی وزیر امور خارجه کشور شاهی ناروی، صبح دیروز با ایشان در مقر سفارت آن کشور در کابل، دیدار نمود.

در این دیدار ضمن آنکه در مورد روابط دو کشور بحث صورت گرفت، از مساعدت و کمک های آن کشور به مردم و دولت افغانستان قدر دانی بعمل آمد.

آقای نور همچنین در مورد اوضاع جاری افغانستان، تحولات سیاسی، حکومت داری و تقویت نظام بحث کرد و بر حفظ دست آورد ها، تقویت روند صلح و رسیدن به یک جامعه مرفه تاکید کرد.

آقای بورگی برندی وزیر امور خارجه کشور شاهی ناروی در حالیکه از خدمات آقای نور به نیکی یاد کرد، از تلاش های ایشان در جهت همکاری با حکومت وحدت ملی و تقویت نظام به عنوان یک رویکرد دموکراتیک و مردم سالار ستایش نمود.

ترامپ:

برای پوتین احترام قایلم

دونالد ترامپ در مصاحبه ای با دفاع از ولادیمیر پوتین گفت که برای او احترام زیادی قائل است. اظهارات او واکنش هایی را در پی داشت.

دونالد ترامپ، رییس جمهوری امریکا در مصاحبه با فاکس نیوز که مشروح آن شامگاه یکشنبه پخش می شود، از "احترام" خود برای ولادیمیر پوتین، رییس جمهوری روسیه دفاع کرد. در حالی که امریکایی ها به دلیل اقدامات مسکو علیه روزنامه نگاران به پوتین لقب "قاتل" را نسبت می دهند، ترامپ گفت که ایالات متحده "از این قاتل ها زیاد دارد!" او در ادامه این پرسش را مطرح کرد: خب شما فکر می کنید کشور ما خیلی بی گناه است؟!

این سخنان در مصاحبه ترامپ با بیل اورایلی، مجری سرشناس شبکه خبری فاکس نیوز مطرح شد. ویدیوی کوتاهی از این مصاحبه منتشر شده که در آن اورایلی درباره احساس ترامپ به پوتین سوال می کند. این مساله غالباً در دوران کمپین های انتخاباتی امریکا مطرح می شد.

ترامپ در پاسخ گفت: «من به او احترام می گذارم. خب من به افراد بسیاری احترام می گذارم اما این بدان معنا نیست که من با آنها همراه می شوم.» مجری فاکس در واکنش گفت که پوتین "قاتل" است چرا که شماری از روزنامه نگاران و مخالفان را در روسیه به قتل رسانده اما ترامپ بدون آنکه از این سخنان تعجب کند، با قاطعیت گفت: قاتلان زیادی هستند. ما هم قاتلان زیادی داریم. خب فکر می کنید کشور ما خیلی بی گناه است؟

به گفته ترامپ، مناسبات بهتر با روسیه در راستای منافع ملی امریکاست. او گفت: اگر روسیه در مبارزه با داعش و "تروریسم اسلامی" در سراسر جهان که مبارزه مهمی است، به ما کمک کند، بسیار خوب است.

ترامپ در دسامبر ۲۰۱۵ هم در مصاحبه با ام اس ان بی سی اظهارات مشابهی مطرح کرد. او آن زمان درباره اتهام پوتین برای کشتن روزنامه نگاران گفت: او کشورش را اداره می کند و دست کم یک رهبر است؛ درست بر عکس آنچه ما در کشورمان داریم. او بهتر از او باماست. رییس جمهوری امریکا همچنین گفته بود: همانطور که شما می دانید، گمان می کنم کشور ما هم کشتارهای زیادی دارد. اقدامات دیوانه واری اکنون در سراسر جهان انجام می شود؛ کشتارهای زیاد، دیوانگی های زیاد.

در همین حال مصاحبه ترامپ با فاکس نیوز واکنش های بسیاری را داشت و موجب عصبانیت برخی از محافظه کاران در رسانه های اجتماعی شد. یکی از مفسران محافظه کار سرشناس در توییتری گفت: اگر او باما چنین حرفی می زد، شون هیتی و لورا اینگرام (دو تن از مجری های معروف رادیویی امریکا) الان می گفتند او باید استیضاح شود.

مایکل مک فال، سفیر سابق امریکا در روسیه هم در توییتر نوشت: آهای میهن پرستان خودخوانده! این کلیپ را ببینید و و بگویید که "میهن پرستی" چیست و "امریکا اولویت دارد" به چه معناست. صادقانه می گویم که متوجه نشدم.

طبق گزارش کمیته روزنامه نگاران، ۳۶ روزنامه نگار از سال ۱۹۹۲ در روسیه به قتل رسیدند که ۲۳ مورد از این قتل ها از دور اول ریاست جمهوری پوتین در سال ۲۰۰۰ است. معروفترین این روزنامه نگاران، آنا پولیتکوفسکایا بود که سال ۲۰۰۶ زمانی که روی پرونده شکنجه در چچن تحقیق می کرد، به ضرب گلوله کشته شد.



مورینیو:

اینجا آلمان نیست که یک تیم بقیه تیم ها را غارت کند



سرمری منچستر یونایتد معتقد است بازار نقل و انتقالات برای تیم ها سخت شده است. او اشاره ای هم به بازنشستگی مایکل کریک کرد.

ژوزه مورینیو پیش از بازی با لسترستی در نشست خبری درباره موضوعات مختلفی صحبت کرد. یونایتد پیشتر در زمان فرگوسن می توانست بهترین بازیکنان تیم های دیگر را به خدمت بگیرد. برای مثال روبین فان پرسی، لوئیس ساها، ادوین فان در سار، دیمیتار برباتوف و آنتونیو والنسیا از جمله بازیکنانی بودند که با جدایی از تیم هایشان راهی یونایتد شدند ولی مورینیو معتقد است لیگ برتر مثل بوندسلیگا نیست و شیاطین سرخ نمی توانند مثل گذشته بهترین بازیکنان دیگر تیم ها را به خدمت بگیرند.

ژوزه مورینیو پیش از دیدار برابر لسترستی گفت: اینجا بوندسلیگا نیست که یک تیم بتواند بهترین بازیکنان دیگر تیم ها را به خدمت بگیرد. دوره فرگوسن هم تمام شده است. در آلمان بایرن مونیخ در همان تابستان و در نقل و انتقالات قهرمان می شود. آنها به سراغ دورتموند می روند و بهترین بازیکنان این تیم را غارت می کنند. آنها یک سال می روند و روبرت لواندوفسکی را به خدمت می گیرند. یک سال آنها ماریو گوتسه را به خدمت می گیرند و در سال بعد متس هوملس را می خرند و قهرمان لیگ می شوند.

او ادامه داد: شما فکر می کنید من می توانم سراغ تاتنهام بروم و دو بازیکن این تیم را به خدمت بگیرم و این تیم را نابود کنم؟ (اشاره به هری کین و دله الی) شما فکر می کنید می توانم سراغ آرسنال بروم و دو بازیکن این تیم را به خدمت بگیرم یا به سراغ چلسی بروم و دو بازیکنی که خیلی خیلی دوست دارم را به خدمت بگیرم؟ خیر نمی توانم. این امکان وجود ندارد. شیوه نابود کردن تیم رقیب با جذب بهترین بازیکن تمام شده و دیگر این اتفاق در این کشور رخ نمی دهد. اگر شما بازیکنی از این تیم ها خریداری می کنید، بازیکنانی هستند که باشگاه ها نمی خواهند آنها را در تیم داشته باشند البته که رئال مادرید، بارسلونا، پاری سن ژرمن و بایرن مونیخ بازیکنانی را می فروشند که دلشان می خواهد بفروشند و در چنین شرایطی بازار نقل و انتقالات تابستانی بسیار سخت است.

سرمری یونایتد در ادامه اشاره ای به بازنشستگی مایکل کریک کرد که این فصل یکی از بهترین های یونایتد بوده است. ژوزه مورینیو درباره این موضوع گفت: بیایید صادق باشیم. کریک در جولای ۳۶ ساله می شود. من چیزهای مثبت زیادی در بازی کریک دیدم ولی نمی توانم شناسنامه او را بگیرم و ۵ سال از آن کم کنم. کریک ۳۶ ساله است و دیگر بازیکنی ۳۰ ساله نیست.

مایکل کریک از سال ۲۰۰۶ در منچستر یونایتد توپ می زند و بیش از ۴۰۰ بار برای این تیم به میدان رفته و این فصل یکی از بازیکنان موثر تیم بوده است.

Mandegar

سخنگوی وزارت دولت در امور مبارزه با حوادث طبیعی:

برفباری در ۲۲ ولایت جان ۳۷ تن را گرفت

جان باختگان اند و دهها تن دیگر تا هنوز در زیر توده‌های برف گیر مانده‌اند. هم‌چنان، از ولایت سرپل در شمال کشور گزارش شده است که پنج تن از اثر برفکوج جان باخته‌اند و ۷۰ تن دیگر از زیر توده‌های برف نجات داده شده‌اند. به همین ترتیب در ولایت بادغیس دست کم دو تن و بیشتر از صد حیوان از اثر یخ

او گفت: مشکلاتی که در شاهراه کابل - قندهار در مساحت مقرر ایجاد شده بود مرفوع شده است. در حالی که برخی از کوتل‌ها مانند شیر و حاجی گک از طرف وایان ولایات مربوط مسدود اعلام شده است.

او بیان داشت که مشکلات فرا راه اداره‌های مبارزه با حوادث طبیعی در ولایات وجود



زادگی مرده‌اند. سرازیر شدن برفکوج های مرگبار در زمستان در مناطق کوهستانی افغانستان یک پدیده همیشگی است. عملیات نجات اغلب به دلیل کمبود تجهیزات، ناکام می شود. با وجود کمک‌های چندین میلیارد دلاری برای افغانستان، پس از سقوط حاکمیت طالبان در سال ۲۰۰۱، این کشور درگیر منازعات، یکی از فقیرترین کشورهای جهان باقی مانده است. در همین جنوری گذشته در شمال افغانستان ۲۷ کودک از اثر برفباری‌ها و سرمای بسیار شدید جان باختند.

ندارد، این اداره‌ها هزینه کافی در اختیار دارند تا در موقع نیاز از آن استفاده ببرند. آقای محمدی بیان کرد که وزارتخانه‌های انکشاف دهات، داخله، صحت عامه، فواید عامه و وزارت دفاع ملی در بخش‌های کاری‌شان وزارت دولت در امور مبارزه با حوادث طبیعی را همکاری می‌کنند. این در حالی است که یک مسول در ولایت بدخشان گفته‌است که ۱۸ تن در این ولایت زیر برفکوجی که شبانگاه خانه‌ها را در زیر خود مدفون کرد، جان باخته‌اند. به گفته او، سه زن و دو کودک شامل

ابوبکر صدیق بر اثر برفباری شدید در ۲۲ ولایت کشور ۳۷ تن جان باخته‌اند و ۲۰ تن دیگر مجروح شده‌اند. مسولان وزارت دولت در امور مبارزه با حوادث طبیعی با بیان این مطلب می‌گویند که بر اثر برفباری شدید سه روزه در ۲۲ ولایت ضمن تلفات انسانی، بیش از ۶۰ منزل مسکونی نیز تخریب شده‌اند. محمد عمر محمدی سخنگوی وزارت دولت در امور مبارزه با حوادث طبیعی در مصاحبه با روزنامه ماندگار می‌گوید: در ۷۲ ساعت گذشته به اثر برفباری شدید در ۲۲ ولایت کشور، ۳۷ جان باخته ۲۰ مجروح شده‌اند.

آقای محمدی افزود: در این برفباری شدید بیش از ۶۰ منزلی مسکونی قسماً تخریب و چندین منزل دیگر به صورت کلی تخریب شده است.

به گفته او، در جریان این برفباری‌ها بیش از ۵۷۰ راس مواشی تلف شده است و بیش از هزار جریب زمین زراعتی نیز تخریب شده است.

سخنگوی وزارت دولت در امور مبارزه باحوادث طبیعی تصریح کرد که بیشتر تلفات وارد شده در ولایات بدخشان، پروان و سرپل است؛ هم‌چنان به مردم ولایات جوزجان، بادغیس، میدان وردک قسماً تلفات وارد شده است.

او گفت: وزارت دولت در امور مبارزه با حوادث طبیعی عملیات رسیده‌گی به آسیب دیده‌گان را در ۲۲ ولایات آغاز کرده است.

آقای محمدی گفت که شاهراه کابل - مشرقی به روی ترافیک باز است؛ اما شاهراه کابل - شمال و شمال شرق، هنوز به روی ترافیک بسته است.

به گفته او، در شاهراه کابل - شمال بیش از ۵۵ برفکوج سرازیر شده است که ۵۰ - ۲۰۰ متر جاده‌ها توسط این برفکوج‌ها مسدود شده‌اند. در عین حال پاک کاری جاده‌ها نیز جریان دارد.

طالبان زنان قندوزی را خانه‌نشین ساختند



زنان فعال قندوزی که تا قبل از سقوط شهرشان به دست طالبان با همه توان‌شان برای ثبیت جایگاه زنان در جامعه مبارزه می کردند امروز آرزوهای خود را بر باد رفته می بینند و خانه نشین شده‌اند. پس از دوبار سقوط قندوز به دست طالبان، هیچ قشری را نمی‌توان در این شهر پیدا کرد که از جنگ و جنایت طالبان در این شهر مصون مانده باشد.

قندوزیان پس از سقوط شهر خود، قتل و کشتار عزیزان شان به دست طالبان را به چشم دیدند. آنان شاهد تاراج دارایی های شان بودند و آوارگی و ترک خانه های شان را به جان خریدند. با آن که سقوط قندوز به دست طالبان در دو سال گذشته، تأثیر عمیق و جبران ناپذیری بر زندگی مردم قندوز داشته اما در این روزها دیده می شود که کم کم دوباره وضعیت در این شهر به حالت عادی برمی گردد.

شماری از بیجاشدگان دوباره به قندوز برگشته اند، کارهای اقتصادی از سر گرفته شده، مراکز فرهنگی و آموزشی دوباره فعالیت های شان را آغاز کرده اند و هر کس به امیدی یا دوباره به کار قبلی خود برگشته و یا هم فعالیت جدیدی را تجربه می کند. اما هرآنچه در قندوز در این روزها به حالت عادی خود برگشته باشد، آنچه که کاملاً به چشم می آید این است که نقش زنان در فعالیت های اجتماعی و مدنی در این شهر تا هنوز جایگاه قبلی خود را پیدا نکرده است.

زنان فعال قندوزی که تا قبل از سقوط شهرشان به دست طالبان با همه توان‌شان برای ثبیت جایگاه زنان در جامعه مبارزه می کردند امروز آرزوهای خود را بر باد رفته می بینند و خانه نشین شده‌اند. شمار زیادی از زنان قندوزی قبل از سقوط قندوز فعالیت های اجتماعی و مدنی داشتند اما پس از سقوط دوباره این شهر به دست شورشیان از کار دست کشیدند و شمار دیگرشان شهر قندوز را ترک کردند.

حضور کم رنگ زنان در فعالیت های اجتماعی در شهر قندوز به حدی کاهش یافته که حتی نمایندگان مردم در شورای ولایتی به شدت از این مساله ابراز نگرانی کرده اند.

زر گل عالمی، عضو شورای ولایتی قندوز در این باره به خبرنگاری جمهور گفت: "پس از سقوط این ولایت برای بار دوم به دست طالبان و افزایش ناامنی ها، شمار زیادی زنان خانه نشین شده و یا به بیرون شهر پناه برده اند، اگر این وضع همین‌طور ادامه یابد روی روحیه زنان این ولایت تأثیرات مخرب و منفی خواهد گذاشت."

دیده می شود که حتی برخی از خبرنگاران و فعالان مدنی زن در قندوز نیز این شهر را ترک کرده و یا حداقل فعالیت های خود را متوقف کرده اند.

نصیب هولکر، رییس شورای زنان در قندوز نیز به خبرنگاری جمهور گفت: "شمار زیادی از زنان نجبه و فعال که در ادارات و نهادهای مختلف در این ولایت مصروف فعالیت بودند در این چند ماه اخیر مخصوصاً پس از سقوط این ولایت به دست شورشیان از کار دست کشیده و خانه نشین شده‌اند."

برخی از زنان در ولایت قندوز نیز لب به شکایت گشوده اند، آنان می گویند: "در گذشته دست شان در انجام کارها و فعالیت های مدنی و اجتماعی باز بود و زمینه های کاری به صورت نسبی وجود داشت اما اکنون به دلیل ناامنی ها در این ولایت اوضاع کار و فعالیت برای زنان به کلی آشفته شده است."

دیده می شود که زنان قندوزی که در جنگ های اخیر در این شهر آسیب های جدی دیده اند حتی پس از ختم جنگ نتوانسته اند دوباره به کارهای شان برگردند و جایگاه خود را پیدا کنند. آنچه که امروز این زنان به شدت به آن نیاز دارند حمایت قوی و دوامدار نهادهای حکومتی می باشد.



مؤسسه تحصیلات عالی زاوول

نهادهای علمی، آکادمیک و مؤثر در کشور با داشتن استادان متخصص باسویه‌های بلند تحصیلی، صنوف معیاری، لابراتوارهای مجهز سیستم درسی به میتودهای قبول شده بین المللی، کتابخانه مجهز، فضای سبز عالی محیط زیست، تنوع در سیستم آموزشی نظری و عملی.

- * طب معالجوی
- * طب ستوماتولوژی
- * حقوق و علوم سیاسی
- * کمپیوتر ساینس
- * اقتصاد

برای فارغان صنوف (۱۲)

و همچنان برای روند پیشرفت تحصیلی فارغان صنوف (۱۴) ستوماتولوژی و قابلیت با ابتکار و فعالیت علمی سیستم بریجینگ یا متمم لسانس در پوهنخی های:

- * ستوماتولوژی (طب دندان)
- * قابلیت
- * خدمت گذار هموطنان عزیز و شایقین علوم معاصر در افغانستان
- * بهترین موقعیت - محیط آکادمیک زمینه ساز رشد محصل محوری